

## The Faces of Jesus in Manichaean Documents<sup>1</sup>

Mosayyeb Golchin<sup>2</sup>

Mostafa Farhoudi<sup>3</sup>

Mohammad Shokri-Foumeshi<sup>4</sup>

(Received on: 2023-07-13; Accepted on: 2023-09-09)

### Abstract

In the present article, the nature and character of “Jesus” – one of the most prominent figures in Manichaean teachings and the founder of Manichaeism’s theoretical framework – is analyzed. The research findings indicate that diverse portrayals of Jesus are presented in various Eastern and Western Manichaean texts, including: “The Suffering Jesus, The Crucified, The Living Soul,” “The Luminous Jesus,” and “Jesus Christ, The Historical Jesus.” These manifestations are all aspects and dimensions of a single personality, each expressed in a specific manner. From Mani’s perspective, Jesus Christ was not born of any mother; rather, the suffering of this crucified and tormented Jesus is the suffering of the Light imprisoned in the material world, which is embodied in Jesus Christ. He is the same deity, the Luminous Jesus, who descended multiple times from the Kingdom to bring revelation to the prophets and who will sit on the judgment seat at the end of the world to judge all people. This article demonstrates that the manifestations of “Jesus the Bridegroom,” “The Young Jesus,” and “Jesus the Moon” have only emerged in scholarly interpretations without being explicitly defined or specified in Manichaean theology.

**Keywords:** Jesus, Christology, Luminous Jesus, Living Soul, Manichaeism

---

1. This article is derived from: Mosayyeb Golchin, “The Faces of Jesus in Manichaean Documents,” PhD Dissertation, Supervisor: Mohammad Shokri Foumeshi, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

2. PhD Student in Ancient Iranian Religions, Department of Eastern Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: m.golchin92@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Eastern Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: mfarhoudi@urd.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Eastern Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: mshokrif@urd.ac.ir

## چهره‌های عیسی در مدارک مانوی<sup>۱</sup>

محمد شکری فومشی<sup>۲</sup>

مسیب گلچین<sup>۳</sup>

مصطفی فرهودی<sup>۴</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸]

### چکیده

در مقاله حاضر، ماهیت و شخصیت «عیسی» - یکی از برجسته‌ترین چهره‌ها در آموزه‌های مانوی و بنیان‌گذار چارچوب نظری مانویت - تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چهره‌های متنوعی از عیسی در متون مختلف شرقی و غربی مانوی ارائه شده است، از جمله: «عیسای رنج‌کش، مصلوب، نفس زنده»، «عیسای درخشان»، و «عیسی مسیح، عیسای تاریخی». این جلوه‌ها همگی نموده‌ها و ابعاد از شخصیتی واحد هستند که هر کدام به شیوه‌ای خاص بیان شده‌اند. از نظر مانی، عیسی مسیح از هیچ مادری زاده نشد؛ بلکه رنج این عیسای مصلوب و زجرکش، همان رنج نور اسیر در جهان مادی است که با عیسی مسیح تجسم یافته است. او همان ایزد عیسای درخشان است که بارها از ملکوت فرود آمد تا برای انبیا و وحی آورد و در پایان جهان بر مسند قضاوت داور همگان بنشیند. این مقاله نشان می‌دهد که جلوه‌های «عیسای داماد» و «عیسای جوان» و «عیسای ماه» بدون آنکه در الهیات مانوی به طور مشخص تعریف یا معین شده باشند، فقط در تفسیرهای محققان پدید آمده‌اند.

**واژگان کلیدی:** عیسی، مسیح‌شناسی، عیسای درخشان، نفس زنده، مانویت

---

۱. این مقاله برگرفته از: مسیب گلچین، «چهره‌های عیسی در مدارک مانوی»، رساله دکتری، استاد راهنما: محمد شکری فومشی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، است.

۲. استادیار گروه ادیان شرق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) mshokrif@urd.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری ادیان ایران باستان، گروه ادیان شرق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m.golchin92@gmail.com

۴. استادیار گروه ادیان شرق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران mfarhodi@urd.ac.ir

## ۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی که در آموزه مانوی نقشی کلیدی دارد و بدون او چارچوب نظری این دین درک نخواهد شد، «عیسی» است. همان‌گونه که منابع اصیل مانوی تأیید می‌کنند، مانی خود را فارقلیط و فرستاده عیسی مسیح می‌خواند و از کلام عیسی برای حقانیت دینش بهره می‌برد و از سبک زندگی او تقلید می‌کرد. مانویان پس از مرگ مانی مرگ پیامبرشان را چنان توصیف کردند که بر عیسی گذشته بود (تاردیو، ۱۴۰۲: ص ۲۵). شباهت‌های فراوانی که میان این دو شخصیت از هر لحاظ وجود دارد، بی‌تردید به بخشی از پرسش این پژوهش پاسخ می‌دهد که اندیشه‌های مانی در شکل‌دهی به دین جدیدش، تا چه حد بر پایه اندیشه‌ها و سبک زندگی عیسی مسیح استوار بوده است.

همانند کیش‌های پیش از مانویت، در متون مانوی واژه‌های «عیسی»، «مسیح» و «عیسی مسیح» به شکل‌های گوناگون به کار رفته‌اند. به بیان دیگر، در منابع مانوی هم نام «عیسی» و هم واژه «مسیح» به تنهایی مشاهده می‌شود و نیز ترکیب آن‌ها با یکدیگر یافت می‌شود. در کیش‌های گنوسی پیش از مانی، تلاش شده بود عیسای تاریخی از مسیح آسمانی، که نقش منجی کیهانی را دارد، متمایز گردد (Rudolph, 1965: 171 ff). برای نمونه، این طرز تفکر در کیش الخسائیه نیز مشاهده می‌شود (Koenen, 1978: 90-181)، همان فرقه یهودی-مسیحی که مانی در فاصله چهار تا بیست و چهار سالگی میان آنان زیست (تاردیو، ۱۴۰۲: ص ۳۴-۳۸). از این رو، مانی که عیسی را به عنوان بخشایش‌گر گناهان قوم یهود نمی‌شناخت، ممکن است در این زمینه از الخسائیه تأثیر پذیرفته باشد. خود عیسای تاریخی، همان‌گونه که مسیحیان تصور می‌کردند، برای مانی و مانویان اهمیتی نداشت (Cirillo & Roselli, 1986: 58).

بیشتر پژوهشگران مطالعات مانوی بر این باورند که عیسی در متون مختلف مانوی جلوه‌های متعددی دارد که گاه تشخیص آن‌ها از یکدیگر بسیار دشوار است. در این مطالعات، از

دیرباز دست‌کم سه چهره از عیسی شناخته شده است: ۱. عیسای رنج‌کش، مصلوب؛ ۲. عیسای درخشان، شکوهمند؛ ۳. عیسی مسیح، عیسای تاریخی (Boyce, 1975: 10). با این حال، زوندرومان (Sundermann, 1992: 535b-9a) و به پیروی از او فرانتسمان (Franzmann, 2003: 15 ff) بر آن اند که می‌توان در متون مانوی، نمودها و جلوه‌های دیگری از عیسی را نیز بازشناخت. آنان جلوه‌هایی همچون «عیسای داور» و «عیسای ماه» را به این فهرست می‌افزایند. در اینجا می‌کوشیم نشان دهیم که چگونه همه این نمودها و جلوه‌ها را می‌توان به منزله تفسیرهایی گوناگون از یک حقیقت واحد دانست.

## ۲. یگانگی یا چندگانگی چهره‌های عیسی: مروری بر پیشینه پژوهش

با توجه به مطالبی که بیان شد، اکنون باید روشن شود کدام چهره عیسی در کانون مسیح‌شناسی مانویت قرار دارد. پاسخی که بیشتر دانشمندان به این پرسش بنیادین داده‌اند، دوگونه است: گروهی، همچون پولوتسکی (Polotsky, 1971: 712) و رودلف (Rudolph, 1982: 446-447)، بر چهره کیهانی «عیسای درخشان» تأکید کرده‌اند؛ و گروهی دیگر، مانند رز (Rose, 1979: 64-65) و گاردنر (Gardner, 1983: 186-187)، «عیسای تاریخی» را عیسای اصلی دانسته‌اند. با این همه، شماری از پژوهشگران، از جمله والدشمیت و لنتس (Waldschmidt & Lentz, 1926: 78)، کوشیده‌اند نشان دهند که اساساً نمی‌توان میان این چهره‌های گوناگون عیسی تمایز روشنی قائل شد. از نظر گروه نخست، «عقل» (یونانی: νοῦς)، برابر با عیسای درخشان) مفهومی مرکزی در الهیات و فلسفه مانوی است و از نظر گروه دوم، برای مانی، زندگی عیسی و به‌ویژه تصلیب او نماد رنج نفس زنده در جهان مادی بود و از این رو تصلیب عیسی را باید در کانون اندیشه مانوی قرار داد؛ عیسایی که هم منجی است و هم رنج‌کش و نیازمند رهایی و نجات (Gardner, 1983: 326-31). فرانتسمان نتیجه‌گیری محققانی چون والدشمیت و لنتس را ناقص

می‌داند؛ زیرا آنان، بدون تمایز آشکار میان چهره‌های گوناگون عیسی، سهواً برای آن‌ها یگانگی قائل شده‌اند (Franzmann, 2003: 27 ff).

با همین رویکرد، رُز بر این باور است که فرضیه پولاتسکی از آن رو ناقص است که فاقد بُعد رنجبری عیسی است. از نظر او، خدای مانی هم «عیسای درخشان منجی» بود که گنوس و معرفت خدا، کیهان و انسان را نخست به آدم و سپس در طول تاریخ به همه انسان‌ها بخشید، و هم «عیسای رنج‌کش» که به عنوان فرستاده راستی در وجود تاریخی خویش همان گنوس را برای همه کسانی که به روشنی مصلوب و انوار در بند تاریکی و ماده در جهان ایمان دارند، به ارمغان آورد. از نظر او، چهره‌های عیسی صرفاً تثلیث‌هایی برساخته از یک «مسیح گنوسی» در برداشت مانوی‌اند. از این رو، نه می‌توان این جلوه‌ها را به طور دقیق از یکدیگر متمایز کرد و نه می‌توان از درهم آمیزی آن‌ها پرهیز کرد (Rose, 1979: 60). گاردنر دیدگاه رز درباره یگانگی عیسی را می‌پذیرد، هرچند با همه جوانب آن موافق نیست (Gardner, 1983: 6). او در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که یگانگی چهره مانوی عیسی ریشه در کاربرد زندگی عیسای تاریخی به عنوان الگویی دارد که مانویان بر پایه آن، دریافت خود از چهره «عیسای رنج‌کش» را سامان داده‌اند (Gardner, 1991: 85). به باور بویس، تمایز میان برداشت‌های گوناگون از عیسی دشوار است (Boyce, 1975: 10). در مقابل، ساموئل لیو به صراحت تأکید می‌کند که در نوشته‌های اصیل مانوی، چهره‌های مختلف عیسی به روشنی قابل تشخیص است (Lieu, 1992: 161). پدرسن نیز، هم سخن با او، این دیدگاه را که همه عیسی‌های مانوی یک چهره واحد را می‌ساخته‌اند، رد می‌کند و آشکارا میان عیسی در نقش‌رهایی بخش (منجی) و عیسی در نقش‌رهایی یافته (ناجی) تمایز می‌نهد. او همچنین، هم‌زمان با رد وجود اصطلاح «منجی ناجی» در مانویت، «عیسای رنج‌کش» را متفاوت از «عیسای درخشان» می‌داند (Pedersen, 1988: 162–175).

افزون بر این مباحث، برخی محققان میان چهره‌های گوناگون عیسی و شخصیت‌های دیگر نیز پیوندها یا هم‌سانی‌هایی یافته‌اند. به بیان دیگر، برخی رویکردها عیسی را با چهره‌های کیهانی دیگری مرتبط می‌سازند. از محققان قدیم‌تر، والدشمیت و لنتس (WL I, 15) و پولوتسکی (Polotsky, 1971: 707)، و از میان پژوهشگران متأخر، کلیمکایت (Klimkeit, 1979: 35-38) و لیو (Lieu, 1992: 250-251) پیوندی میان «عیسای درخشان» و «انسان قدیم» قائل شده‌اند. کلیمکایت همچنین «عیسای ماه» و «انسان قدیم» را به یکدیگر مربوط می‌داند (Klimkeit, 1979: 109). به گفته پیترومن، پیوند میان «عیسای تاریخی» و «انسان قدیم» می‌تواند ما را به درک پیوستگی میان «عیسای درخشان»، «عیسای ماه» و «عیسای فرستاده» رهنمون سازد (Pétrement, 1990: 111).

### ۳. سه چهره عیسی

#### ۱.۳. عیسای رنج‌کش

«عیسای رنج‌کش، رنج‌بر یا زجرکش» نام دیگر «نفس زنده» (فارسی میانه: gryw zyndg؛ پارتی: jywndg gryw) و معادل «عیسای مصلوب» (Jesus patibilis) در مانویت غربی است. او، که همان پنج‌پسر در بند شده «انسان قدیم» یا «هرمزد بَخ» است و به دست نیروهای ظلمت، گرفتار آمده و از این روی یکی از ایزدان مانوی به شمار می‌آید، نماد به صلیب رفتن و رنج‌آمیختگی نور با ظلمت است (یوناس، ۱۳۹۸: ص ۴۰۲). در آغاز تاریخ اساطیری، نیروهای اهریمنی این ایزدان پنج‌گانه را، پس از آنکه «انسان قدیم» از اهریمن شکست خورد، در قعر تاریکی بلعیدند و بدین سان اسارت نور در کالبد اهریمنان آغاز شد. هنگامی که اهریمن مشاهده کرد که ایزدان برای رهایی روشنی‌های در بند تلاش می‌کنند، نقشه کشید تا نور برای همیشه در تصرف او باقی بماند (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۶: ص ۳۴). در واقع، اهریمن با آفرینش آدم و حوا، آن عناصر مینوی بلعیده شده در ماده را در کالبد جسمانی

نوع بشر محبوس ساخت تا آزادسازی این انوار در دوران آمیختگی نور و ظلمت، به هدف غایی مانویت تحقق یابد (شکری فومشی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۷). از این رو، در مانویت، آن نورهای محبوس به ایزدی به نام «نفس زنده» شناخته شدند که از اسارت در کالبد ماده و جهان مادی رنج می‌کشد و در آرزوی رهایی است.

از نظر زوندرمان، مانویان، با وجود پایبندی به تجسم مثالی عیسی، برای رنج ظاهری، مرگ و رستاخیز او، معنایی پنهان در ارتباط با تاریخ نجات بشریت قائل بودند (Sundermann, 1968: 388). در این چارچوب، تصلیب در مانویت به معنای رنج جان در کالبد تن و رستاخیز به معنای رهایی جان از تن است (Gardner, 1991: 71-76).

او با اعمال نیک برگزیدگان و پارسایان، به تدریج از ماده رهایی می‌یابد و به بهشت روشنی صعود می‌کند. از این رو، او را ایزد (منجی نجات یافته) می‌نامند؛ منجی‌ای که خود نیز نیازمند رهایی است. نیایش‌های فراوانی در ستایش او موجود است (برای نمونه: وامقی، ۱۳۷۸: ص ۳۶۵-۳۶۶). این نیایش‌ها به دو چهره «نفس زنده» اشاره دارند؛ ایزدی که هم در اسارت نیروهای اهریمنی است و هم خود، همان زندانی است که اهریمنان در آن محبوسند. هنگامی که «انسان کهن» (انسانی که هنوز آلوده به گناه است) از مستی گران بیدار شود و از معصیت پاک گردد، به «انسان نو» تبدیل می‌شود و بدین ترتیب بخشی از انوار از طریق او رها می‌شوند. هم انوار محبوس و هم انوار رها شده، هر دو «نفس زنده» نامیده می‌شوند. بنابراین، براساس آموزه مانوی، آن روشنی‌ها و انواری که در جسم انسان نیز محبوس است، نفس زنده هستند؛ همان نوری که در ماده محبوس و رنج‌کشنده است و گویی همچون عیسی مسیح به صلیب کشیده شده است (اسماعیل پور، ۱۳۹۶: ص ۳۵۵).

این ایزد یا عیسای مصلوب باید با پارسایی برگزیدگان، از زندان تن مادی و صلیب ماده رها شود. هرگاه یک مانوی به بخشی از طبیعت آسیب می‌رساند، بدان معنا بود که به نور محبوس در آن بخش آسیب زده است. از این رو، حتی بریدن شاخه درختان نیز ممنوع

بود (دکره، ۱۳۸۳: ص ۱۰۶-۱۰۷)؛ زیرا بخشی از اعضای خدا در آن نهان بود (اسماعیل پور، ۱۳۹۶: ص ۱۸۹). آمدن این ایزد به جهان مادی، گرفتار شدن او در ظلمت ماده، رنج‌هایی که می‌کشد و نیاز او به رهایی، همه چهره‌ای از او می‌سازد که مانویان غرب در زندگی عیسی می‌دیدند. از این رو، داستان تصلیب عیسی تاریخی، در واقع قصد دارد چگونگی رنج نفس زنده در جهان مادی را توضیح دهد. رنج عیسی رنج بر و زجرکش، تنهایی از راه‌های ممکن برای تجسم شخصیت عیسی تاریخی بود (Franzmann, 2003: 82). بنابراین از منظر مانویت، «عیسی رسول، تاریخی، مصلوب و عیسی رنج‌کش و نفس زنده»، چهره‌هایی از یک شخصیت واحد به شمار می‌آمدند. آنان در واقع تجسم‌هایی از یک تمثیل بودند (Wurst, 2000: 655).

با این حال، عیسی زجرکش چیزی فراتر از چهره‌ای است که صرفاً رنج می‌کشد؛ زیرا صعود و رهایی‌اش از جهان مادی، به مفهوم نجات و رستگاری مؤمنان اشاره دارد. او نمادی است از چگونگی به دام افتادن، جسم گرفتن، به خواب رفتن و بیهوش شدن جان. رنج عیسی فرستاده یا تاریخی، تمثیل رنج نفس زنده به شمار می‌آید. به عبارت دیگر، رنج عیسی زجرکش و حقیقت نور اسیر در جهان مادی در شخصیت تاریخی عیسی، تجسم یافته است. از این منظر، عیسی زجرکش، جنبه‌های گوناگون دیگر نفس زنده را به خود می‌گیرد؛ از جمله: حضور در جهان مادی، جوهر روشنی موجود در عناصر خوراک مقدس و نقش منجی آزاد شده یا ناجی رستگار شده (Franzmann, 2003: 112).

### ۲.۳. عیسی درخشان

عیسی درخشان (فارسی میانه: 'yyšw' 'spyxt' n/ zyw)، که سرزمین روشنی یا بهشت نور منزلگاه اوست، خاستگاه و گوهری ایزدی دارد و خود منشأ دیگر باشنده‌های یزدان آفریده است. او همان «نوس» (Sundermann, 1979: 101 § 3/16.1) در منابع

غربی مانوی، «خرد شهرایزد» (Durkin-Meisterernst, 2004: 364a: xrdyšhr yzd) در متن فارسی میانه شاپورگان، «بهمن» (Durkin-Meisterernst, 2004: 341a: whmn) در دیگر منابع فارسی میانه، و «منوهمد روشن» (Durkin-Meisterernst, 2004: 229a-b: mnwhmyd rwšn) در منابع پارتی مانوی است (برای بررسی مقایسه‌ای: شروو ۱۳۹۶: ص ۱۱۰-۱۱۱). عیسای درخشان بیش از هر چیز وحی‌کننده است و در این مقام بارها از ملکوت فرود آمده تا به آدم، ابراهیم، عیسی مسیح، مانی و هر دین‌داری که جویای او و خرد اوست، وحی بفرستد. این نکته در شاپورگان مانی به صراحت آمده و از این رو، زوندرومان به درستی خاطرنشان می‌کند که بسیاری از جنبه‌های عیسی را می‌توان با موجودات اساطیری دقیق‌تر جایگزین کرد: «عیسای درخشان همان نوس بزرگ، بهمن روشن یا خردیشهرایزد است» (Sundermann, 1992: 536). او شخصیتی زندگی‌بخش است که پاسدار کسانی به شمار می‌رود که در آستانه مرگ‌اند. عیسای درخشان، عاشقان دین را به راه راست و به سوی نور هدایت می‌کند، به زندگی جان می‌بخشد، داوری می‌کند و آنان را برمی‌خیزاند. از این رو، او هم داور روز حساب و هم داور همه در پایان جهان است. چشمان مردم را به وضعیت واقعی‌شان می‌گشاید و مانند شبانی خردمند، نفس زنده را می‌جوید و رها می‌سازد.

توصیف عیسی به عنوان پزشک، چه در شفای روحی و چه در شفای جسمی، غالباً در منابع مانوی مشاهده می‌شود. چهره‌ای از عیسی که به طور نمادین نشان داده شود، اغلب مشخص نیست؛ از این رو بسیاری از قطعات مربوط به او قابل شمارش نیستند. به گفته ریشتر، این نماد به «عیسای درخشان»، «نوس»، «عیسای فرستاده روشنی» و «مانی» نسبت داده شده است (Richter, 1994: 223). او همچنین نظیری از عیسی را در «مزموور ۲۱:۹» شناسایی کرده و خاطرنشان می‌کند که در «زبور ۱۴۵:۶»، عیسای درخشان، پزشک نامیده شده است.

شفای جوهر جسمانی اغلب با شفای روحانی یا بخشش گناهان، پیوندی جدانشدنی دارد؛ چنان‌که در سرود ۷۶ مشاهده می‌شود (همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد). در این سرود، چامه‌سرا در دو درخواست موازی دعا می‌کند: یکی آنکه بودا عیسی، سلامت و شادابی جسم گوشتی او را برقرار دارد و دیگری آنکه طبیعت درونی چامه‌سرا، بدون آلودگی و محدودیت، محفوظ بماند.

شفای بیشتر شاید با رستاخیز پیوندی ناگسستنی داشته باشد. در M801a:171-175 عیسای درخشان، دوشیزه‌روشنی و بهمن‌بزرگ در چارچوب‌رهای بخش‌ی و رستاخیزی خود، «پزشکان بزرگ و شفادهندگان نفس‌برین» نامیده می‌شوند (BBB, 23; SR, 135). در ادامه همان دست‌نوشته، عیسی مادر زندگی بخش آنان است که با زخم و آسیب‌آز و آرزو (میل جنسی) جان باخته‌اند، و پزشک آنان که از بیماری تن بیهوش شده‌اند (M801a: 187-197). توصیف پایانی «او خود، کوران را بینا و کران را شنوا ساخت» (M801a: 187-197)، به نظر می‌رسد عیسای درخشان را به صفات و توصیفاتی که معمولاً برای عیسای فرستاده به کار می‌رود، مرتبط می‌کند.

سرود فارسی میانه، عیسی را (شهریار نو و) پزشک نو و پزشک سراسر شفا می‌خواند (MM II, 317). همین توصیف «پزشک نو» را برای عیسی در سرود سغدی «M 306 R» 3 در پیوند با عنوانی همچون «روز نو» (R 2)، «روشنگر نو» (R 4) و «منجی نو» (R 4) می‌توان دید (WL I, 119).

جدای از کردارهای رستگارانۀ عیسای درخشان و ویژگی‌هایی که مستقیماً با آن‌ها مرتبط‌اند، باید به توصیفات کلی‌تر او نیز توجه کرد. بسیاری از متون شامل بخش‌هایی هستند که فهرست بلندبالایی از القاب یا نمادها را به صورت نیایش وار برمی‌شمرند و هر لقب یا نماد به تقویت اثر کلی دیگری می‌انجامد. نمونه برجسته‌ای از این دست در «زبور قبطی مانوی» (PsB 167) آمده است که برخی پیوندهای عیسای درخشان با دیگر چهره‌های مینوی را

خلاصه می‌کند (نخست‌زاده پدر، چراغ همه ائون‌ها، گل مادر روشنان، روشنی آن محبوب، فرمان رازیگر، نیروی رهبر، توان پنج پسرش، پدر اندیشه روشنی) و همچنین جنبه‌های اساسی او را نشان می‌دهد که با دین داران مرتبط است (شعور روشن‌گر ما، اندیشه کامل ما، رایزن نیکوی [ما]، اراده خجسته ما).

برخی از ویژگی‌های منتسب به عیسی به روشنی با زندگی روحانی دینداران پیوند دارد؛ از این رو، او هم سرچشمه «شراب زندگی» و هم خود آن است؛ شرابی که همانا عشق و شادی اوست، نه مستی و لغزش در جهان مادی (زبور ۱۵۱: ۶-۷، ۱۳-۱۵). افزون بر این، او سرچشمه «آب زندگی» است که رازهای پدر بروی آشکار گشته است (زبور ۱۸۵: ۳-۵). درخور توجه است که برخی دست‌نوشته‌های شرقی از «خوراک مقدس عیسی» سخن می‌گویند. برای نمونه، در سرود پارتی «IB 4974 R I 21-22» از «خوان آریامان (دوست) روشن» - یعنی عیسای درخشان - یاد شده است (WL II, 558; SR, 79)، و در سرود فارسی میانه «M 28 II R II 2-4» آمده است: «خوش آمدی، بنیان جهان‌ها و زیوش (= خوراک) بسیاری» (MM II, 314; SR, 65). همچنین در رساله چینی «T.86 a17» در توصیف خوراک و نوشیدنی شیرین و لذیذی که دین داران را از گرسنگی و تشنگی نگاه می‌دارد، به گونه‌ای ضمنی به همین معنا اشاره شده است.

او همچنین «گنج‌دانی» برای دین داران است؛ بدین معنا که گنج خرد را به ایشان عرضه می‌دارد. این معنا در نماد «درخت زندگی» نیز آشکار است؛ درختی آراسته به جواهرات پرشمار، بی‌همتا و شگفت، که بامیوه‌های خود خرد می‌بخشد. چنان‌که در تومار سرود چینی (T. ۱۲-۱۴: ۷-۸) و نیز در قطعات پیش‌تر یادشده آمده است، این «گنج‌دان پایان‌ناپذیر» سرشار از گوهر - خواسته‌های گوناگون است که او به فقیران و نیازمندان عطا می‌کند.

به حلاوت و زیبایی عیسی در مانویت اهمیت بسیار داده شده است. شاید نمادهای عیسای درخشان به صورت گل، تلاشی برای تجسم همین ویژگی باشد: «عیسی، گل

مقدس پدر است» (زبور ۵۹: ۱۵-۱۶)، «گل مادر روشنان» (زبور ۱۶۶: ۲۶)، «گل شادی بخش شهر یاری مقدس» (زبور ۱۸۹: ۱۵)، «عیسی، نخستین گل سرخ پدر» (زبور ۱۵۱: ۲۴). هر کس که از او به نحوی بهره گیرد، به شادی، برکت (به ویژه زبور ۱۵۱: ۲۰، ۲۲) و آرامش (زبور ۱۸۵: ۲۴-۲۵) نائل می‌شود. برخی از بهترین نمونه‌ها در «زبور ۱۶۷: ۴-۷، ۱۲-۱۷» آمده است: او «عشق معشوق»، «ایمان مؤمن»، «کمال کمال یافته»، «بردباری بردبار»، «صندوق نیکی»، «کشتی نجات»، «آرامش گریان‌ها»، «شادمانی شادمان‌ها» و «مهربانی مهربان‌ها» است. واژه‌هایی مانند «صندوق» و «کشتی»، به روشنی عیسی را مخزن و منبع چیزهای خوب توصیف می‌کند. این در سرود اشکانی (M 369 R 5-7) به صراحت بیان شده است: «خدایا، به ماده، از هدایای نیکو، چه تو سرآغاز همه هدایای نیکویی» (WLI, 118; SR, 64). در واقع، عیسی خود هدیه‌ای است؛ نخستین هدیه‌ای که داده شد (زبور ۱۵: ۵۹). در حالی که عیسای درخشان در بسیاری از متون در شمار ویژگی‌ها و اوصاف موجودات روشنی یاد شده است، سرودی که کلیمکایت آن را «آوای آغازین» نام نهاده، فهرستی بلند از ویژگی‌های خاص خود عیسی به دست می‌دهد (WLI, 84-93; SR, 67-8). در این سرود، عیسی سرچشمه نخستین و خاستگاه اصلی فضیلت‌هایی چون صدا، واژه، خرد، عشق، ایمان، صبر، فروتنی، متانت، مهربانی و روشنی معرفی می‌شود. در همین زمینه، سرود فارسی میانه «M 28 II V II 22-28» نیز او را نجات یافته‌ای می‌خواند که این صفات در او متجلی است: «خوش آمدی، شهریار نو و پزشک نو، خوش آمدی بُختار (منجی، رهایی بخش) نو و رهایی یافته نو. خوش آمدی، ایزد نو، چراغ نیک و روشنی ستوده» (MM II, 317-18; SR, 66). در بافت مناجات بلند عنوان‌های عیسای درخشان، او به روشنی «منجی» و «ناجی» خوانده شده است. پیش‌تر، در بندی از همین سرود (M 28 II V II 1)، به او با عنوان «شهریار رهایی یافته» خوشامد گفته شده است (MM II, 316; SR, 66). در کنار این‌ها،

باید به صفت پرکاربرد «مهربان» نیز اشاره کرد که پیوسته به عیسای درخشان نسبت داده می‌شود؛ صفتی که در لایه‌ای ثانوی معنای همدردی و رنج‌بردن با کسانی را که موضوع دلسوزی اویند، در خود نهفته دارد؛ البته تنها در یک متن، به صراحت از نجات یافتن او سخن رفته است؛ با این همه، این احتمال که باور بر آن بوده که او نیز باید نجات یابد، شایان توجه جدی است.

از سوی دیگر، متن زبور میان «ناجی» یا همان کسی که نیازمند رهایی است، و «منجی»، «شبان» و «عیسای درخشان» تمایز می‌نهد: «کیست آنکه جستجو می‌کند؟ کیست آنکه در جستجوی اویند؟ گوسپندی که به درخت بسته شده است و شبانش در پی او... گوسپند بسته به درخت عشقی است که مرده است. خردی که آشکار می‌کند شبانی است که در پی اوست» (زبور ۱۷۲: ۱۸-۲۵).

عیسای درخشان خاستگاه و جوهر الهی است و خود، منشأ دیگر موجودات مینوی به شمار می‌آید. روشنی، سکونتگاه و بخش جدایی‌ناپذیر از ذات و هدیه اوست. بیش از هر چیز، او وحی‌کننده و زندگی‌بخش است. در مقام وحی‌کننده، بارها از ملکوت فرود آمده است؛ بر آدم، بر مانی و بر هر دین‌داری که جویای او و خرد او باشد. در مقام زندگی‌بخش، پاسبان کسانی است که در آستانه مرگ‌اند؛ آنان را به راه راست و به سوی روشنی هدایت می‌کند، زندگی می‌بخشد، داوری می‌کند و دوباره برمی‌خیزاند. همچنین در پایان جهان، او داور همه کشورها خواهد بود. عیسای درخشان، جنگجوی کیهانی است که با نیروهای اهریمنی می‌ستیزد و بر آن‌ها غلبه می‌یابد تا وحی خویش را آشکار سازد. در مقام شبان دانا، او نفس‌زنده را جستجو می‌کند و رهایی می‌بخشد. برای دین‌داران، او وحی‌کننده، دوست و خویشاوند است و برای برگزیدگان نزدیک‌تر، جایگاه ویژه‌ای دارد و به مثابه داماد روشنی به شمار می‌آید.

### ۳.۳. عیسای تاریخی (عیسی مسیح)

عیسی مسیح یا عیسای تاریخی، فرستاده‌ای از روشنی، موجودی مینوی و پسر خداوند متعال مانوی، پدر بزرگی است؛ از این رو در مانویت او را بغ‌پور یا فغفور (bgpwhr) می‌نامند (Durkin-Meisterernst, 2004: 107a). خویشکاری اصلی او، فرود آمدن به جهان برای وحی و بنیان‌گذاری امت است، کاری که با گرفتن شکل یا ظاهر جسمانی انجام می‌گیرد. پس از ظهور در جهان، با دشمنانی روبه‌رو می‌شود که او را در عالی‌ترین مراتب مصلوب می‌کنند. چون در خویشتن، هم گوهر ایزدی دارد و هم سرشت انسانی، هم رنج می‌برد و هم در عین حال رنج نمی‌برد (Sundermann, 1988, 205ff). در پایان کار، او بر دشمنان خود پیروز می‌شود، قدرت آنان را در زمین و آسمان و جهان زیرین می‌شکند و دیگران را آزاد می‌سازد تا در بازگشت او به سوی پدر و سرزمین روشنی، از او پیروی کنند. از این مقام مینوی، او همچنان به هدایت و پاسبانی روان‌ها در لحظه مرگ ادامه می‌دهد (Franzmann, 2003: 36). در این متن، هم پوشانی عمیقی میان خویشکاری‌ها و صفات عیسای درخشان و عیسای تاریخی دیده می‌شود: هر دو خاستگاهی الهی دارند و فعالیت اصلی‌شان شامل نزول وحی، پاسبانی روان در لحظه مرگ و ارتباط صمیمانه با دینداران زنده مانوی است (Franzmann, 2003: 36).

با این حال، به نظر مانی، هرچند جان و روح فناپذیر و کیهانی‌اند، ممکن است در جهان گرفتار شوند؛ اما سرانجام رهایی می‌یابند و از پلیدی، ناپاکی و بندهای دهشتناک میرایی ظاهری رهایی می‌جویند (Böhlig & Asmussen, 1980: 23). بنابراین، هر چهره کیهانی دیگری نیز می‌توانست نامیرا و کیهانی باشد و در جهان رنج بکشد. پس از مرگ مانی، جامعه مطمئناً نیازی به بازنگری این دیدگاه نمی‌دید. مانی، فرستاده روشنی و فرستاده عیسی، برای جامعه همانند یک ایزد یا بودا شد؛ اما این شناخت تنها پس از تجربه شکنجه و مرگ واقعی او حاصل گردید. دیدگاه مانویان نسبت به مانی، ویژگی‌هایی به پیامبرشان بخشید

که در اصل به چهره‌های عیسی تعلق دارند. مانی نشان داد که می‌توان همه عیسی‌ها را یگانه تلقی کرد. با این حال، به قول فرانتس‌مان (Franzmann, 2003: 56ff)، عیسی همانند بازیگری است که جامه‌های گوناگون می‌پوشد و نقش‌های مختلفی ایفا می‌کند؛ اما آن‌چنان در نقش خود حل نمی‌شود که شخصیتش را از دست بدهد.

#### ۴. جلوه‌های دیگر

افزون بر جلوه‌هایی که در بخش‌های پیشین از عیسی ارائه کرده‌ایم، او داوری آخرالزمانی نیز هست و مسندش در فراز این جهان قرار دارد؛ پس از داوری همه انسان‌ها در فرجام تاریخ، جهان را فرسگرد کرده و کیهان را به حالت اولیه بازمی‌گرداند (Sundermann, 1979: 104-5). از متون برمی‌آید که داور چنان دلسوز است که همراه ارداوان، که رنج کشیده‌اند، رنج برده است. پیوستگی عشق و دلسوزی میان داور و درستکاران با نمادپردازی «داماد» برای داور برجسته‌تر می‌شود. از این رو، او را «عیسای داماد» نیز می‌نامند، همان شخصیتی که گاهی «عیسای جوان» نیز خوانده می‌شود (Franzmann, 2003: 51ff). متون شرقی مانوی صراحتاً از «عیسای جوان» نام نمی‌برند؛ اما کفالایا، یکی از منابع غربی مانوی، حاوی مستندترین منابع درباره این چهره است (به‌ویژه کفالایا، فصل ۶۱: ۲۶-۲۸). متون مانوی توجه چندانی به این چهره عیسی نداشته‌اند و بیش از همه بر «عیسای زجرکش» که همان «نفس زنده» است، تأکید کرده‌اند. افزون بر این، «عیسای درخشان» نه تنها با ماه مرتبط است (Rose, 1979: 26, 161; Klimkeit, 1993: 68, n. 2; 325)، بلکه با «انسان قدیم» و «دوشیزه روشنی» نیز پیوند دارد (Klimkeit, 1993: 35-39). در گردونه ماه، عیسی همراه با دوشیزه روشنی و انسان قدیم، منتظر انوار رها شده از بند تاریکی است. والدشمیت و لنتس (Waldschmidt/Lentz, 1933: 551) و نیز فرانتس‌مان (Franzmann 2003: 78) معتقدند که این پیوند تنها در مانویت شرقی مشاهده می‌شود.

## ۵. نتیجه‌گیری

یکی از دشواری‌های مهم در پژوهش‌های مانوی این است که بسیاری از متون، به‌صراحت روشن نمی‌کنند مقصود از «عیسی» در یک موضع خاص کدام چهره است: «عیسی مسیح»، «عیسای رنج‌کش» - که همان «نفس زنده» است - یا «عیسای درخشان» که یکی از ایزدان مانوی به‌شمار می‌رود. با این همه، بررسی متون شرقی و غربی نشان می‌دهد که می‌توان سه صورت متمایز عیسی را با قطعیت بازشناخت: «عیسای رنج‌کش، مصلوب» (نفس زنده)، «عیسای درخشان، شکوهمند»، و «عیسی مسیح، عیسای تاریخی».

به نظر می‌رسد جلوه‌های دیگر عیسی، همچون «عیسای داور»، «عیسای داماد»، «عیسای جوان» و «عیسای ماه»، بیشتر بر ساخته و حاصل تفسیرهای پژوهشگران باشند. برای نمونه، «عیسای داور» در واقع همان «عیسای درخشان» است و صرفاً عنوانی دیگر برای او محسوب می‌شود. در واقع، مانی و پیروان او میان این چهره‌ها تمایزی قائل نبودند و همه آن‌ها را بازتاب‌هایی از یک حقیقت یگانه می‌دیدند. با این وجود، متون مانوی نشان می‌دهد که تمرکز اصلی بر «عیسای درخشان» بوده است؛ چهره‌ای که خویشکاری او، هم ارسال وحی و هم داوری نهایی است؛ چرا که او نجات‌بخش همه مؤمنان در سراسر تاریخ تلقی می‌شده است. البته در میان مانویان، رویکردها یکسان نبود؛ برخی برداشت تحت‌اللفظی از اساطیر و نظام‌های الهیاتی داشتند، برخی دیگر آن‌ها را استعاری می‌فهمیدند، و گروهی نیز در میانه این دو طیف قرار می‌گرفتند. در بسیاری از ادیان، یکی از دو رویکرد تفسیر تحت‌اللفظی یا تمثیلی برجسته می‌شود و مؤمنان ممکن است با قرائت رهبران دینی خویش هم‌سو باشند یا از آن فاصله بگیرند. درباره عیسای مانوی نیز باید هر دو رویکرد در نظر گرفته شود؛ چه در میان مانویان و چه در میان مخالفان مسیحی ایشان؛ زیرا امکان سوء برداشت‌های گسترده میان این دو گروه

وجود داشته است. همچنین این تنوع و پیچیدگی در رویکردها برای پژوهشگران معاصر که در پی تحلیل چهره‌های گوناگون عیسی هستند نیز اهمیت دارد. در نهایت، مانویت تنها از یک عیسی سخن می‌گوید؛ شخصیتی یگانه که در عین وحدت، با چهره‌ها و نقش‌های متنوع ظهور می‌یابد.

## منابع

اسماعیل پور مطلق، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، اسطوره‌آفرینش در کیش مانی، ویراسته محمد شکری فومشی، تهران: چشمه.

تاردیو، میشل (۱۴۰۲)، کیش مانوی، ترجمه محمد شکری فومشی و ایرج جمشیدی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

دکره، فرانسوا (۱۳۸۳)، مانی و سنت مانوی، ترجمه عباس باقری، تهران: فرزانه.

شرو، پرادز اکثر (۱۳۹۶)، عناصر ایرانی در کیش مانوی (بارویکردی مقایسه‌ای)، تهران: طهوری.

شکری فومشی، محمد (۱۳۸۷)، «سرود نفس زنده: ویرایش انتقادی پنج دستنویس مانوی تورفانی»، در: جشن‌نامه دکتر بدرالزمان قریب، به‌کوشش زهره زرشناس و ویداندا، تهران: طهوری، ص ۱۲۵-۱۴۷.

وامقی، ایرج (۱۳۷۸)، نوشته‌های مانوی و مانویان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی؛ حوزه هنری.

یوناس، هانس (۱۳۹۸)، کیش گنوسی؛ پیام خدای ناشناخته و صدر مسیحیت، ترجمه ماشاالله کوچکی

میبدی و حمید هاشمی کهندانی، ویراسته محمد شکری فومشی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

Böhlig, A. and J. P. Asmussen (1980). *Die Gnosis. Bd. 3: Der Manichäismus*, Artemis, Zürich.

Boyce, M. (1975). *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, Vol. 2, 2nd edn, E.J. Brill, Leiden.

- Cirillo, L. and Roselli, A. (1986). *Codex Manichaicus Coloniensis. Atti del Simposio Internazionale (Rende-Amantea 3-7 settembre 1984)*, Marra, Cosenza.
- Durkin-Meisterernst, D. (2004). *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian (Corpus Fontium Manichaeorum, Dictionary of Manichaean Texts III,1)*, Turnhout: Brepols.
- Franzmann, M. (2003). *Jesus in the Manichaean Writings*, New York.
- Gardner, I. (1983). 'Manichaean Christology. The Historical Jesus and the Suffering Jesus with particular reference to western texts (i.e. texts from a Christian environment), and illustrated by comparison with Marcionism and other related movements,' PhD thesis, Manchester University [apud Franzmann 2003].
- Gardner, I. (1991). 'The Manichaean Account of Jesus and the Passion of the Living Soul', in *Manichaica Selecta*, ed. Tongerloo and Giversen, pp. 71-86.
- Klimkeit, H.-J. (1979). 'Das Kreuzessymbol in der zentralasiatischen Religionsbegegnung', *ZRGG*, 31.1, pp. 99-115.
- Klimkeit, H.-J. (1993). *Gnosis on the Silk Road: Gnostic Texts from Central Asia*, Harper, San Francisco/New York.
- Koenen, L. (1978). 'From Baptism to the Gnosis of Manichaeism', in: *The Rediscovery of Gnosticism. Proceedings of the International Conference on Gnosticism at Yale, New Haven, Connecticut*, March 28-31, 1978. Vol. 2: Sethian Gnosticism, éd. Bentley Layton, E.J. Brill, Leiden, 1981, 734-56.
- Lieu, S. N. C. (1992). *Manichaeism in the Later Roman Empire and Medieval China*, 2nd edn, J.C.B. Mohr, Tübingen.
- Pedersen, N. A. (1988). 'Early Manichaean Christology, primarily in Western Sources', in *Manichaean Studies. Proceedings of the First International Conference on Manichaeism*, August 5-9, 1987, ed. Peter Bryder, Plus Ultra, Lund, pp. 157-90.
- Pétrément, S. (1990). *A Separate God: The Christian Origins of Gnosticism*, Harper, San Francisco.
- Polotsky, H. J. (1971). 'Manichäismus', in: *Collected Papers by H. J. Polotsky*, ed. Kutscher, pp. 699-714.
- Richter, S. (1994) *Exegetisch-literarkritische Untersuchungen von Herakleidespsalmen des koptisch-manichäischen Psalmenbuches*, Oros Verlag, Altenberge.

- Rose, E. (1979). *Die Manichäische Christologie*, Otto Harrassowitz, Wiesbaden.
- Rudolph, K. (1965). 'Gnosis und Manichäismus nach den koptischen Quellen', *Koptologische Studien in der DDR. Wissenschaftliche Zeitschrift Martin-Luther-Univ. Halle-Wittenberg*, pp. 156-90.
- Rudolph, K. (1982). 'Rose: *Die manichäische Christologie*, Wiesbaden 1979', review, *ThLZ*, 107, pp. 444-447.
- Sundermann, W. (1968). 'Christliche Evangelientexte in der Überlieferung der iranisch-manichäischen Literatur', *MIOF*, 14.3, pp. 386-405.
- Sundermann, W. (1979). 'Namen von Göttern, Dämonen und Menschen in iranischen Versionen des manichäischen Mythos', *AoF*, 6, pp. 95-133.
- Sundermann, W. (1988). "Der Paraklet in der ostmanichäischen Überlieferung", in: P. Bryder (ed.), *Proceedings of the First International Conference on Manichaeism*, Lund, pp. 201-212.
- Sundermann, W. (1992). 'Christ in Manicheism', in *Encyclopaedia Iranica*, Vol. 5, Routledge & Kegan Paul, London, pp. 535b-9a.
- Waldschmidt, E. and W. Lentz (1926). *Die Stellung Jesu im Manichäismus* [WL I' in text], APAW.PH 4, Berlin.
- Waldschmidt, E. and W. Lentz (1933). Manichäische Dogmatik aus chinesischen und iranischen Texten, *APAW*, 13, pp. 480-607.

## References

### Persian Sources:

- Decret, François. 1383 Sh. *Mani and the Manichaean Tradition* [*Mānī wa sunnat-i Mānawī*]. Translated by Abbas Baqeri. Tehran: Farzan.
- Esma'ilpour Motlaq, Abolqasem. 1396 Sh. *The Myth of Creation in the Manichaean Religion* [*Ostūri-yi āfarīnīsh dar kīsh-i Mānī*]. Edited by Mohammad Shokri Fourneshi. Tehran: Cheshmeh.
- Hans, Jonas. 1398 Sh. *The Gnostic Religion: The Message of the Unknown God and the Beginnings of Christianity* [*Kīsh-i Gnūsī; Payām-i Khudā-yi nāshinākhtah va sadr-i Masīhīyat*]. Translated by Mashallah Kuchaki Meybodi and Hamid Hashemi

Kohandani. Edited by Mohammad Shokri Foumeshi. Qom: University of Religions and Denominations.

Shokri Foumeshi, Mohammad. 1387 Sh. “*The Hymn of the Living Soul: A Critical Edition of Five Manichaeian Turfan Manuscripts*” [Surūd-i nafs-i zindah: virāyish-i intiqādī-i panj dastnīvis-i Mānawī-i Tūrfānī]. In: Memorial Volume for Dr. Badr-al-Zaman Gharib [Jashn-nāmah Duktur Badr al-Zamān Qarīb]. Edited by Zohreh Zarshenas and Vida Naddaf. Tehran: Tahuri, pp. 125-147.

Skjærvø, Prods Oktor. 1396 Sh. *Iranian Elements in Manichaeism (A Comparative Approach)* [‘Anāšir-i Īrānī dar kīsh-i Mānī (bā rūykard-i muqāyisah-i)]. [Trans. Mohammad Shokri Foumeshi ]. Tehran: Tahuri.

Tardieu, Michel. 1402 Sh. *Manichaeism [Kīsh-i Mānī]*. Translated by Mohammad Shokri Foumeshi and Iraj Jamshidi. Qom: University of Religions and Denominations.

Vameqi, Iraj. 1378 Sh. *Manichaeian Writings and Manichaeians [Nivishtah'hā-yi Mānawī va Mānawiyān]*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Art; Hozeh Honari.

#### English & Other Language Sources:

Böhlig, A. and J. P. Asmussen. 1980. *Die Gnosis. Bd. 3: Der Manichäismus*. Artemis, Zürich.

Boyce, M. 1975. *A Reader in Manichaeian Middle Persian and Parthian*, Vol. 2, 2nd edn. E.J. Brill, Leiden.

Cirillo, L. and A. Roselli. 1986. *Codex Manichaicus Coloniensis. Atti del Simposio Internazionale (Rende-Amantea 3-7 settembre 1984)*. Marra, Cosenza.

Durkin-Meisterernst, D. 2004. *Dictionary of Manichaeian Middle Persian and Parthian (Corpus Fontium Manichaeorum, Dictionary of Manichaeian Texts III, I)*. Turnhout: Brepols.

Franzmann, M. 2003. *Jesus in the Manichaeian Writings*. New York.

Gardner, I. 1983. ‘Manichaeian Christology. The Historical Jesus and the Suffering Jesus with particular reference to western texts (i.e. texts from a Christian environment), and illustrated by comparison with Marcionism and other related movements’. PhD thesis, Manchester University [apud Franzmann 2003].

Gardner, I. 1991. ‘The Manichaeian Account of Jesus and the Passion of the Living Soul’. In: *Manichaica Selecta*. Ed. by A. van Tongerloo and S. Giversen. pp. 71-86.

- Klimkeit, H.-J. 1979. 'Das Kreuzessymbol in der zentralasiatischen Religionsbegegnung'. *Zeitschrift für Religions- und Geistesgeschichte (ZRGG)*, 31.1, pp. 99-115.
- Klimkeit, H.-J. 1993. *Gnosis on the Silk Road: Gnostic Texts from Central Asia*. Harper, San Francisco/New York.
- Koenen, L. 1978. 'From Baptism to the Gnosis of Manichaeism'. In: *The Rediscovery of Gnosticism. Proceedings of the International Conference on Gnosticism at Yale, New Haven, Connecticut, March 28-31, 1978. Vol. 2: Sethian Gnosticism*. Ed. by Bentley Layton. E.J. Brill, Leiden, 1981, pp. 734-756.
- Lieu, S. N. C. (1992). *Manichaeism in the Later Roman Empire and Medieval China*, 2nd edn. J.C.B. Mohr, Tübingen.
- Pedersen, N. A. 1988. 'Early Manichaean Christology, primarily in Western Sources'. In: *Manichaean Studies. Proceedings of the First International Conference on Manichaeism, August 5-9, 1987*. Ed. by Peter Bryder. Plus Ultra, Lund, pp. 157-190.
- Pétrément, S. 1990. *A Separate God: The Christian Origins of Gnosticism*. Harper, San Francisco.
- Polotsky, H. J. 1971. 'Manichäismus'. In: *Collected Papers by H. J. Polotsky*. Ed. by E. Y. Kutscher. pp. 699-714.
- Richter, S. 1994. *Exegetisch-literarkritische Untersuchungen von Herakleidespsalmen des koptisch-manichäischen Psalmenbuches*. Oros Verlag, Altenberge.
- Rose, E. 1979. *Die Manichäische Christologie*. Otto Harrassowitz, Wiesbaden.
- Rudolph, K. 1965. 'Gnosis und Manichäismus nach den koptischen Quellen'. *Koptologische Studien in der DDR. Wissenschaftliche Zeitschrift Martin-Luther-Universität Halle-Wittenberg*, pp. 156-190.
- Rudolph, K. 1982. 'Review of: Rose, E., *Die manichäische Christologie*, Wiesbaden 1979'. *Theologische Literaturzeitung (ThLZ)*, 107, pp. 444-447.
- Sundermann, W. 1968. 'Christliche Evangelientexte in der Überlieferung der iranisch-manichäischen Literatur'. *Mitteilungen des Instituts für Orientforschung (MIOF)*, 14.3, pp. 386-405.
- Sundermann, W. 1979. 'Namen von Göttern, Dämonen und Menschen in iranischen Versionen des manichäischen Mythos'. *Altorientalische Forschungen (AoF)*, 6, pp. 95-133.

- Sundermann, W. (1988). "Der Paraklet in der ostmanichäischen Überlieferung". In: P. Bryder (ed.), *Proceedings of the First International Conference on Manichaeism*. Lund, pp. 201-212.
- Sundermann, W. 1992. 'Christ in Manicheism'. In: *Encyclopædia Iranica*, Vol. 5. Routledge & Kegan Paul, London, pp. 535-539.
- Waldschmidt, E. and W. Lentz. (1926). *Die Stellung Jesu im Manichäismus*. APAW.PH 4, Berlin.
- Waldschmidt, E. and W. Lentz. (1933). 'Manichäische Dogmatik aus chinesischen und iranischen Texten'. *Abhandlungen der Preussischen Akademie der Wissenschaften, Philosophisch-Historische Klasse (APAW)*, 13, pp. 480-607.